



دوره هشتم تقییه

جلسه ۲۵

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

۲۴ دی ماه ۱۳۱۱ - ۱۷ رمضان ۱۳۵۱

قیمت اشزاک سالانه داخله ۱۰۰۰ ریال
 خارجه ۱۲۰۰ ریال
 تک شماره: یکتریال

مجلس

مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یکشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۴۱ (۱۷ رمضان ۱۳۵۱)

فهرست مذاکرات

- ۱- تصویب صورت مجلس
 ۲- تعلق اختتامیه آقای رئیس
 ۳- پیام آقایان توسی، اورنگ و دکتر طاهری

- ۴- تعلق آقای رئیس الوزراه
 ۵- غنم چله

مجلس یازدهم در پنجشنبه بعد از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت جلسه قبل (همین شب) را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

مجلس اولیة مانیز در صدد بودند که قندهالی بچلو برداشته مرامهای ملی و منظورات اجتماعی را سر و صورتی بدهند - لیکن عدم تمرکز کارها - باشدگی اوضاع - نامنظمی - این افکار خوب - و این بیانات بیکو را مثل پختار لطیفی که با تدبیر تصادف کند در افق مجاور ما محو و نابود میساخت - و وقتی که بحساب خودمان رسیدگی میکردیم حاصل جمع عدم در صفر بود (صحیح است)

توبخ و استحقاق اراده شاهنشاه ایران - این برآکنده کی و تندوبش را بوجدت و تمرکز و قوت مبدل ساخت و ما را پایگاه وظایف خودمان توانایی و اقدار داد (صحیح است) و عدین است منظور بنده که گفتیم بی تصادف باشکال و بدون لغزش سیاسی کار ما حین خانه یافت.

۱- تصویب صورت مجلس
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؛ (خیر) صورت مجلس تصویب شد.

۲- تعلق اختتامیه آقای رئیس
 رئیس - شکر خدا را که مجلس با بنفای و طریقه خود توفیق یافت - و دوره خود را با پایان رسانید (صحیح است) باشکالی روبرو ننشد.

تشنجی در زندگانی آرام آن راه یافت (صحیح است) در يك افق نورانی و دیزیک امنیت و راحت جاودانی مرام ملی خود را تعریف نمود (صحیح است) اگر چه خواهیم مردمانی حق شناس و مانی حق گو و حق گذار باشیم باید اعتراف کنیم که این موفقیت - این شادمانی و کامیابی را مقروض اراده قوی و تصمیمات محکم اعلیحضرت پهلوی خادمانه و ملکه و سلطانه هشتم (صحیح است) - صحیح است

این مذاکرات مشروح یکصد و بیست و نهمین جلسه از دوره هشتم تقابلیه (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۴۰)

دائرة تدوین و تحریر صورت مجلس

اگر خداوند بنا توفیق عطا کند و بار دیگر باز ما طریق و وسیله اصلاحات باشیم کوشش میکنیم که در وجه ما مدنظر وطن پرستانه و نیکخواهانه باشد - و کلاماً این لطیفه و تکه آشنایی داریم و یافته‌ایم که عصر حاضر عصر رفی و پیشرفت است و ما باید از این فراهم بودن اسباب کار برخوردار شد و ساعات و دقائق اورد ما منتظر بشایم (صحیح است صحیح است) آقای نوری

۴ بیانات آقایان فهیمی و اورنگ و دکتر طهرانی

فهیمی - در زمینه بر مباحثات آقای رئیس بنده خیلی میل داشتم از زحمات و خدمتای را که ایشان در تمام این مدت در سالیانه دوره هفتم تظنیه باین روح صمیمت و جدیت لبست همه متحمل شده اند عرض می‌کنم. لیکن نظر باینکه کاملاً بی‌خلاق ایشان دارم در نتیجه ارادت باین بدت شهادی می‌دانم که ایشان از ظاهر و خود نمایی حتی الاسکان اجتناب و احتراز دارند (صحیح است) بنابر این از این قسمت بنده هم خود داری میکنم و آقایان بهر از این بنده می‌تواند خودشان مطالب را در کمال لکند (صحیح است صحیح است) همینطور نسبت زحمات و خدمتای را که مجلس شورای ملی و همه آقایان نمایندگان متحمل شده‌اند بازم چیزی عرض نمیکنم بقول قدها دوره‌های تظنیه و آن قره‌های تند را از میان بردارند (اورنگ است ای واقف) (صحیح است) ما خودمان چیزی نمیگوئیم ولی ابروداریم که مشاهده می‌بودیم و اصلاحاتی که در او اوضاع و احوال مملکت شده است از هر نقطه نظر چه در امور قضائی چه در امور مالی چه در امور معارف انشئیهای جزوئی و مؤسسات مفیده و مخصوصاً با مقایسه اوضاع امروز با وضعیت دوره چهارم و پنجم همه کس هر آدم متصفی باین نیت دارم تصدیق خواهد کرد که هیچ قابل شیاعت با هم نیست و ما همه اینها را مدیون هفتم بوجود مقدس اعلمحضرت پهلوی (صحیح است) که ایشان از ابتدای کار تصمیم فرمودند که فواصل بین دوره‌های تظنیه و آن قره‌های تند را از میان بردارند تا فور تظنیه مملکت موفق شود که متوالیاً کارهای خودش را ادامه بدهد و این موفقیت‌های ثقی را تسریع بکند و باز هم ابرودارم که خداوند مارا موفق بدارد که در

نعت خودجوش عالی ایشان پندانه عهده برای مملکت موفق شویم چیزی را که باید برض آقایان برسانم اجازه بدهند این است که از آقای رئیس اولاً استدعا میکنم در مدت تفره تا وقتی که مجلس جدید افتتاح می‌شود ایشان کمائی السابق زحمات مراقبت در کاران اداره تظنیه را تحمل کنند و بجهت بگریزند (صحیح است) (صحیح است) مخصوصاً لازم میدانم در اینپه‌ورد از زحمات اعضاء اداره تظنیه که واقعاً باین خدمت خشکی ناپذیری کارهای خودشان را مراعات کرده‌اند و ما را در هیچ موقع معطل نگذاشتند و مخصوصاً رئیس اداره تظنیه آقای طوسی که مخصوصاً زحمت کش است تقدیر بفرمایم و تشکر کنیم و البته برای تفریق ظاهر آنها هم لازم است که کمائی السابق در نعت مراقبت و توجهات آقای رئیس تا افتتاح دوره آینه اداره تظنیه را مراقبت کنند و تا آنجا از اعضاء اداره مباشرت هم لازم است ما تقدردانی میکنم برای اینکه آنها هم بنویس خود زحمات خوبی کشیده‌اند و منحل هم قسم خود مجلس که لازم بوده است برای پیشرفت کارهای مجلس شده‌اند و باید آقای ارباب هم قبول فرمایند کمائی السابق ایشان هم مراقب کارهای اداره مباشرت باشند نگذاشتند کسی در کار پیدا شود بلااوه بند باین چیز توفیق داده هم از آقای ارباب کبخشرو و تقاضای می‌کنم و آن این است که وضوت بنای مجلس بند از حریق تا باین حدی پیشرفت کرده است و عقرب مجلس افتتاح خواهد شد البته شخص بزگی مثل وجود اعلمحضرت باید اینجسلس تشریف یاورند و این مجلس را افتتاح فرمایند و این شایسته نیست که درود ایشان از این بدب موقی باشد باید که از یک محل چند خلی بشکوهی البته تشریف یاورند و مجلس را افتتاح کنند این است که آقای ارباب باید همدان جدیدی تا کانون بخرج داده‌اند در تعمیرات و بنای مجلس پیش از یش بکمان برند که برای افتتاح مجلس در سراسر و عبادت جدید حاضر باشد و تمام افتخار پذیرائی مقدم اعلمحضرت هابونی را در بای جدید بخودمان بپوشیم امیدوارم که آقایان باین عرض بنده موافقت فرمایند که آقای رئیس و آقای ارباب کبخشرو کارهای خودشان را کمائی السابق

اداره بدهند و روزی اسباب تمام شدن بنای مجلس را برای افتتاح دوره نهم حاضر کنند (صحیح است)

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - چنانکه همه آقایان اسفاه فرمودند بیانات آقای رئیس و بند از ایشان بیانات آقای فومی کلاماً ادای منظور و مقصود را کرد. لیکن بنده در خانه تاگزیم از تذکر دوسه نکته بطور اجمال و اختصار تا برض آقایان برسانم. مطلب اولی که بنظر رسید این است که قطع دارم همه آقایان هم این منتهای تصدیق دارند که هر نعمتی در عالم مناسب بطالع خودش مناسب با مزاج خودش باین تشکر خاصی دارد (صحیح است) همه نمای حضرت حق دارای باین نحوه از تشکر نیستند مثلاً اگر زبان انسان گویا و فصیح باشد این است که قطع است از جانب خدا خوب تشکر زبان خوب و فصیح و گویا چیست در عالم؟ بنابر اعتقاد بنده راست گفتن است (صحیح است - احسن) وقتی انسان زبان خوب پیدا کرد باید بگوید خدایا تورا شکر. خبر تشکر این نعمت راستگویی است. اقتدار خوب اگر خدا باین کسی عایت فرمود تشکر این چیست؟ این است که بگوید خدایا من تو را شکر می‌کنم؟ آه مقدر باید عادل باشد عدل تشکر از نعمت اقدار است. همینطور هر یک از نعمای الهی را وقتی که ملاحظه فرمایند مناسب بطالع خودش باین تشکر از لایم‌دارد. همه آقایان می‌گویند که قسمی را کمتر یا زیادتر است که ما مردم ایران دارای یک نعمتی شده‌ایم از جانب حق و آن وجود اعلمحضرت هابونی است (صحیح است) و خیال نمی‌کنم کسی در این موضوع و مقدمه بتدر سرخردلی شک و اشبه داشته باشد (صحیح است) این نعمت برای ما چشمه نماند است تمام نعمتی که در این مملکت شامل حال ما است از بابت شده از این نعمت مخصوص است (صحیح است) درست است؟ (نمایندگان بلی صحیح است) حالا این نعمت را چگونه ما مردم ایران می‌خواهیم تشکر کنیم و چه باید کردیم؟ باید بگوئیم خدایا تورا شکر که همچو نعمتی بنا مرحمت کردی؟ با اعتماد من این نسبت تشکرش. عرض میکنم

بطوریکه همه آقایان موافقت دارند و البته تصدیق خواهند فرمود اعتقاد بنده این است که در مقابل این نعمت که ما واجدشده‌ایم از جانب حضرت حق تمام ما مردمی که ساکن و محلک ایران هستیم ساکن این مرز و بوم هستیم و ساکن خارج از مملکت ایران هستیم هر فردمان بر حسب وظیفه خاصی که در طبیعت و معیشت و زندگی با ما محول هست رعیت باین وظیفه خاصی دارد که بر او محول است. قاضی باین وظیفه خاصی دارد تاجر باین وظیفه خاصی کاسب باین وظیفه خاصی و کرم باین وظیفه خاصی عسکر و اهل نظام باین وظیفه خاصی و وزیر باین وظیفه خاصی دارند هر فردی از افراد این تشکر و این نعمت الهی باین وظیفه و وظیفه خودشان را در حد خودشان بایمان و عقیده بکنند این تشکر از این نعمت است. یعنی آن رعیت بنده را در موقع خود باید بکارد از بنده نذرد و موقع آن را از دست نهد و در موقعش برود و علقه بنده را با مصالح فرخو کند و در موقع حاصل را در دو کد حاصل باین بی‌عیب و با و در و یازد این تشکر آن رعیت است و آن قاضی بیستی برود از روی موازین قضاء از روی وجدان از روی ایمان قضاوت کند بین متخاصمین تشکر قضی ادای وظیفه است از روی ایمان و عقیده تشکر آن تاجر ادای وظیفه است از روی ایمان که بصحت عمل تجارت خودش را شروع کند و تجارت خودش را بپایان برساند. این منی برای هر فردی از افراد مردم ایران ساکن مرز و بوم ایران و ایرانیان ساکن تشکر از منتهای تشکر از وجود این نعمت است پس تشکر از این پادشاه است (صحیح است) حالا با این مقدمه که قطع دارم همه آقایان این موافقت من فقط خدای تعالی را شاکرم که ما هفت ما افراد که اسم مان نماینده و میبوت و و کرم بودو هست تا این دقیقه ما تشکر میکنم حق را که بنا توفیق داده که از رویی که این وظیفه بر ما شانه ما تحمل شد تا این دقیقه که این وظیفه مقدس را بر زمین میگذازم موفق شدم تشکر خودمان را از وجود این پادشاهان بکمال درستی و صداقت و سلامت شروع کردیم و بپایان رساندم پیش از این و بالاخر از این

بایستی بشکر کنیم و فوق این تشکر نیست (صحیح است) نما کرده باشیم. بعد از ادای این مقدمه مسئله را که می خواست عرض کرده باشم آن را بطور اجمال راجع به هیئت محترم دولت است. موضوع هیئت محترم دولت و خودمان الفاظی را من جستجو کردم تا یادآورده باشم بین خودمان و هیئت دولت هر کدام از الفاظ را که دست مردم دست نمی نوایند آن لفظ عبود دار آن معنی باشد که در سایر ما است نسبت به هیئت محترم دولت خودمان بابتاخری الفاظ کرامت است برای ادای مقبول محترم این یک فراز را بگویم (بطول گفت کسی میبکشد که لغت را ترجمه کنید بشر تا معنی لغتی بیابد و بداند) تا این فراز آن معنایی را که ما بین ما و هیئت دولت است نتواند انجام بدهد و تبیین کرده باشد. هیچوقت در عسر تن مشاهده فرموده اید باشد باید یا کنائی خواند اما بدک یک دست در عالم از یک چشمی بیاید اظهار تشکر کند یا یک چشمی بیاید در عالم از یک دست اظهار تشکر کند بل روح واحد در یک کابردی هست چشم یک بلو وظیفه خاصی دارد. دست یک وظیفه خاصی سایر اعضای چشم هم همینطور برای انجام آن روح واحد یک وظیفه خاص بخوششان دارند اما این وظایف مخصوص یکدیگر و این اعطاء اختلاط و امتزاج پیدا کرده اند که یکی شده اند اما یکی نیستند هر کسی بگوید دست چشم است غلط گفته است چشم دست است غلط گفته است همینطور قوای ظاهره و باطنه اینها در حقیقت یکی هستند ولی در ظاهر یکی نیستند و همه اینها یک وظیفه را برای یک روح واحد انجام میدهند و تمام این وظایف در موقع وقوعی که میخواهد اجرا و انجام شود تمام این اعطاء یک وظیفه واحد را انجام میدهند. ما و هیئت دولت همینطور بوده ایم و همینطور هم هیئت محترم دولت وظایفی را که بر عهده خودی داشتند در زیر سایه این پادشاهان آخر دقیقه انجام وظیفه خوش را با ايمان و عقیده و راستی و درستی ایفاء کردند بنابر مقدمه اول وظیفه خودش را انجام کرد ما هم که وظیفه خاص دیگری داشتیم آن وظیفه خاص دیگر را تا دقیقه آخر انجام کردیم پس

مورد ندارد که این دست ها و چشمها بگویند که ما از شما تشکریم ما مورد ندارد آن چشمها این دستها بگویند ما ارشاد ما تشکریم حالا هر وظیفه که این چشم بردست است ما همان وظیفه را نسبت به هیئت محترم دولت داریم ما همان وظیفه که آنها نسبت به چشم دارند نسبت به ما داشته باشند حالا اینها برای این کرده که الفاظ کوتاه بود برای رساندن این ملاحظاتی بنده بهین مقدار برای این هیئت موضوع قناعت میکنم اما موضوع سوم که اینک آقای فهیمی توضیح فرموده در عالمی است من این را ادا کرده منم برای اینکه کلافی داشته باشم بنویس خودم از طرف خودم و از طرف همه آقایان که به من تذکر فرموده اید و امر فرموده اید من حق بنفتم تشکر میکنم از موقع و مقام ریاست مجلس که ایشان با ايمان روح مقدوس بخوشان و آن عواطف مخصوص بخوشان آن چه شرح اما در این حال نرم و ملازم و در عجزت مخصوص بخوشان اجزای مغزیه مقرره بخوشان را کرده (صحیح است) از طرفی این سال چنانچه این را هم مشاهده فرموده اید با اجزای وظیفه را بجری وقتی در حین اجرا است زیاد تمام با جاذب قلب نیست قلوب مختلف است همین طور که بشر در صورت مختلف است در اخلاق هم متفاوتند غالباً دیدار این اشخاص ادای یک وظیفه را که میکنند یک مسئولیتی هم برای آن ها در حین انجام وظیفه هست و زیاد متوجه این نیستند که چون و چلب قلوب هم کرده باشند مثل اینکه اگر معنی متناهد. ایشان در عین حال که وظیفه خود را اجرا میفرمودند بچلب قلوب ما هم موفق شدند باری از ایشان هم تشکر میکنم از طرف خودم و همین طور هم از طرف رفقا که به من تذکر داده اید و امر فرموده اید از ایشان استعدا میکنم که در این بیان بین المجلسین چشمه مراقبت تام میفرمودند در تمام جزئی ها و کلی هم کارهای مربوطه ما حالا هم کلی و جزئی ~~که~~ هر بار تا نظر داشته باشند و مراقبت تام داشته باشند که هر سوزنی قشره و قنوری و رخته در کارها پیدا نشود بعد از این مقدمه عرض دیگر دارم راجع به هیئت تقنینیه که بنویس خودم از فرد فرد اعضا و اجزاء هیئت تقنینیه مجلس تشکر کنم و برهان ملکشان ملاحظه فرمودید امشب در

دوره هفتم تظلمه

یک ربع ساعت قبل مجلس تشکیل شد و آقایانی از طرف هیئت دولت پیشنهاد شد تصویب شد تصویب شد و اینها با یکدیگر شده و با مضامین لازم رسیده الان به هیئت محترم دولت تسلیم شد اینها در هر جزئی و کلی که مسئولیتی بعهده خودشان بود نمایان عقیده و کمال ایشان قدم برداشتند و قدم گذاشتند و مسئولیت خودشان را انجام داده اند همینطور هیئت محترم ما بشین مجلس از آقای اداری کجسوز و سایر اعضای هیئت پیشتر بود که در جزئی و کلی کارها حقیقتاً مشقت جهت میکند و کرده اند مشاهده می فرماید بنالی بنویسند خندان است. اینها بعد از هیئت محترم ما بشین از فرد فرد آنها مسئولیت داخلی مجلس از سر ایفاء و فراموشی و بیخودت و همه چیزها مربوطه مجلس من تشکر میکنم که هر یک هر یک آنها وظیفه خودشان را چنانکه به آنها محول بوده انجام کرده اند. (صحیح است) این بود اصل عرض من

ولیس - آخرین خطیب آقای دکتر طاهری دکتر طاهری - اگر چه بنده در فرمایشات آقای فهیمی آقای اورنگ با آن با وضاحت و بلاغت دیگر عرضی ندارم چون قولاً انجام خواست بود برای اینکه بدو عرض تشکر و اظهار احساسات با آقایان شریک باشم که مقتضی عرض کنم خیلی خوشوقت هستم که مجلس خدمات ملی خود را در تحت حمایت اعلیحضرت اقدس شهرباری که تمام اصلاحات مربوط و مدیون بخشش ایشان است بانشریک مسامی هیئت محترم درک جزئی و با موافقت انجام داد (صحیح است) امیدوار هستم که مجلس آقیه بزودی افتتاح شود و هیئت محترم دولت هم پروژه ها و لوایح لازمه که برای بودی و تکامل اوضاع کلکتی مفید باشد در آینده تهیه کند و ما هم موفق شویم که در تقویت اصلاحات و اقدامات سابق بخدمات ملی خود ادامه دهیم اگر چه لحاظ انداره هم در عین محترم حضرت آقای رئیس کراماً مذاکره شد و فراموش رسید ولیکن برای اینکه کاملاً این شکر گذاری شده باشد بنده همینطور از طرف خود و رفقا اظهار تشکر کنم از حسن اداره و حسن مراقبت و موافقتی که آقای رئیس در اداره مجلس

فرموده و از سایر اعضا هم بنویس خود همه در حالت داری مخصوصاً چه از آقای رئیس در اداره ما بشین از آقای اداری کجسوز که بنده هم بنویس خودم از طرف خود و رفقا تقاضا کرده ام که زحمت سرپرستی را در مدت فترت تمام ریاست همینطور تحمل فرمایند و همینطور در دست ما بشین آقای اداری سایر ما بشین دیگر عرضی ندارم.

ولیس اهوراء (آقای حاج مهدی علی خان هدایت) - از بران فرمایشاتی که اینجا شنیدم چشم و دستها موضوع تریایش خودم فراموشم البته چشم از دست تشکر می نمودم دست ما از چشم تشکر می نمودم ولی این هر دو با موافقت هم ایشان کار ساخته است و الا چشم بنویس دست کاری از دست ساخته نیست و صرفی ندارد (صحیح است) بر عکس هم همینطور است دست هر کارگی که یک چشم میخواهد که بنویس ولی این هر دو چنانچه گفته شد باید از روح تشکر داشته باشند آن جان انسانی با روح انسانی باید فرمانده هر دو این باشد اگر آن باشد همدست و معارف میماند و هم چشم (صحیح است) این روح امروز در ملک ما کسب است البته وجود بنیادک انچه بخواست پهلوی است (صحیح است) صحیح است و این و این دست و این چشم خیلی باید کار بکنند و مراقب باشند تا نشانی از انشا از آنچه در منافع ملک و خیرات محل توجه اعلیحضرت است نتوانند انجام دهند ما در قسمت خودمان که مستخدمین دولت هستیم به قصور خودمان متذکریم که ما نتوانستیم آن چیزی که اعلیحضرت نوجاد از تک کارها و مشکلات است که مقادیر ملک و ملی بیشتر کند ما که هر چه در بودیم زیر سیم هنوز (صحیح است) البته مجلس شورای ملی آنچه ما آوردیم توجه کرده اند و انجام داده اند و در همکارگی موافقت های تمام کرده اند اما این راهم بنده باید عرض کنم که باز جوان ملوکانه در آن شوقی که دارند به اینکه مقادیر ملک و ملک انجام بگیرد لویسی که تقدیم شده است همه در خیر و عافیت خود خیر ملک بوده است (صحیح است) البته این جور لوایح طرف نوبه مجلس هم واقع می شود و البته این دوره های مجلس را می شود بر دوره های پیش

گفت که خوب خیلی بهتر کار کرده اند چرا برای اینکه
 يك مدرسه است هر دو سالی سه سالی که انسان در
 يك مدرسه کار بکند البته چالاکتر می شود چابکتر
 می شود مقاصد را بهتر میداند آرزوی هر مانی اجرای
 قوانین است (صحیح است) قوانین میکنند وقتی که
 اجرا نشود مبرقش بیست (صحیح است) این اجرای
 قوانین ما بهترین در این دوره های سابق نبوده ؟ خیر
 نبوده (صحیح است) حالا این اجرای قوانین است
 که اسباب تشکر هم دولت می تواند بشود و هم ملت که
 چشم و دست باندازه که توانستند کار خودشان را کرده
 باشند و نمونه اجرای قوانین می توانم عرض کنم که

آرزو بود که در موافقی که يك دوره تقلب انجام خدمت
 خودش را کرده باشد اجزاء دوره بدش حاضر شده
 باشند (صحیح است) و الا آن بداین دوره اجرای قوانین
 و مراعات هیئت اجرائیه طوری بوده است که دوره آینه
 الا آن اعضایش حاضرند و همه امتحانات هم تمام شده
 است و در خانه بنده از برای چشم و دست هر دو
 توفیق میخواهم که بتوانند از عهد خدمات آن روح
 برآیند (صحیح است - صحیح است - احسن)
 رئیس - اجازه میفرمایید مجلس را ختم کنیم
 (صحیح است)
 ساعت دو و نیم بعد از ظهر مجلس ختم شد
 رئیس مجلس شورای ملی - دادگر